

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human Rights

حقوق بشر

ع. مؤمن زاده – کابل

۲۷ مارچ ۲۰۱۲

محاکمه جنایتکاران از طریق ادعای حق العبدی

بعد از شکست طالبان، مملکت به دست جنایتکاران جنگی و قاتلین ملت مظلوم افغانستان افتاد. حضرت سعدی چنین گوید:

شنیدم گوسفندی را بزرگی
رهانید از دهان و دست گرگی

شبانگاه کارد بر حلقش بمالید
روان گوسفند از وی بنالید

که از چنگال گرگم دربرودی
چو دیدم عاقبت خود گرگ بودی (۱)

این جنایتکاران که به زور پول و قدرت بدون از وجدان همه چیز را داشتند، چون میدان را صاف و مطابق امیال خود دیدند، هرطرف تاختند و به جست و خیزهایی مطابق به آرزوهای خود اقدام نمودند. چون از بیعدالتی ها و ظلم و اجحافی که در حق این ملت مظلوم روا داشته بودند می ترسیدند و از طرف دیگر سر و صداهائی در باره محاکمه جنایتکاران جنگی بلند بود و اینها خود را می شناختند. بی ارزش ترین و ننگین ترین فیصله را در شورای ملی که اکثریت داشتند به عمل آوردند و آن اینکه جنایت کاران جنگی و ناقضین حقوق بشر و قاتلین مردم افغانستان مصون مامون و بری الذمه هستند و قابل محاکمه و تعقیب عدلی نمی باشند. اما اگر کسی از نگاه حقوق فردی و حق العبدی ادعائی بالای کسی داشته باشد می تواند در محاکم مربوطه اقامه دعوا نماید.

با آنکه از تاریخ صدور این فیصله تا به حال نا رضایتیهای عام و تام از جانب مدافعان حقوق بشر، روشنفکران و همگان موجود است، و بعضی ها بسیار کوشیده اند که هرگاه این جنایتکاران در محاکم داخل مملکت محاکمه نمی شوند در محاکم بین المللی محاکمه شوند و تا جایی اسناد هم گرد آورده اند. اما تاکنون هیچ یک از آنها تحت تعقیب قضائی قرار نگرفته اند و هنوز هم به نقض حقوق بشر مشغول اند و ظلم و ستم شان دوام دارد. چون از این طریق یعنی نقض حقوق بشر و جنایات جنگی خواسته های ملت مظلوم درباره به محاکمه کشیدن ایشان به جایی نرسید که شاید روزی به جایی برسد، من توجه و طندار انم را درباره به محاکمه کشانیدن این ها از طریق حق العبدی جلب می نمایم.

البته در بین جامعه باعزت و با وجدان افغانی شده می تواند، کسانی که جرم و جنایت مشهود را مرتکب شده اند درباره ایشان دلایل و شواهدی به وجود آید که تعدادی از آنها از طریق حقوق العبدی محکمه شوند و شواهد و دلایل موجه فراهم شده بتواند. من به طور نمونه کشف یک قتل مرموز در یکی از ممالک غربی را در اینجا ذکر می کنم.

در یکی از ممالک غربی اروپائی و یا امریکائی شوهری در مقابل خانم خود روی مسائل میراث و یا غیر آن عناد داشت و در صدد بود به هر طریقی که ممکن شود خانم را از صحنه زندگی بردارد. بعضیها این را می دانستند. باری این شوهر و زن به غرض تفریح و تمرین سکی روی برفهای یکی از کوههای دور دست به وسیله طیاره پرواز کردند. چندی بعد شوهر به تنهایی برگشت و اعلام کرد که خانمش در اثنای تمرین سکی به دره ژرفی سقوط کرده و بالاخره کشته و معدوم گشته است. بعضی اسناد جعلی هم برای صدق ادعایش به دست آورده بود. تا دهن کنجکاوان را ببندد. اما همه می دانستند که او خانمش را خودش کشته است. پولیس هم بنا بر نبودن مدارک مداخله نمی کرد. اما وجدان یکی از مدافعان حقوق بشر آرام نگرفت و سالها او را به تفحص و تجسس واداشت و تمام سوابق این زن و شوهر قاتل و مقتول را به دست آورد، با دوستان شان راه مراد ه و آمیزش را در پیش گرفت و چندین مرتبه به محلی که آنها برای بازی سکی رفته بودند مسافرت کرد اما نتیجه مطلوبی به دست نیاورد. بالاخره وجدان پاک و هدف مقدسش یاری کرد و سندی به دستش افتاد که در ظاهر کوچک و در حقیقت بس بزرگ بود. آن سند و علامت عبارت از تکت طیاره ای بود که آن زن و شوهر به وسیله آن تکت به محل اجرای سکی پرواز کرده بودند. شوهر حریص برای رفتن دو تکت خریده بود و جهت بازگشت یک تکت و برای یک نفر خریداری کرده بود. زیرا او می دانست که در بازگشت خانمش را با خود نمی آورد.

و این خلاء در کار او نمایان و سبب گرفتاری او شد. به اثر تعقیبات پولیس و مدافعان حقوق بشر شوهر قاتل به جرم قتل زوجه اش تحت تعقیب عدلی قرار گرفت و در مقابل این سؤال که چرا از یک جانب دو تکت و برای جانب دیگر یک تکت خریده است جواب قناعت بخش گفته نتوانست، قاتل عمد بودنش ثابت و مطابق حکم قانون مجازات گردید و وجدان تمام کسانی که از این بابت نا آرام بودند، راحت گردید.

اکنون در وطن ما موضوع چنین است که همه می دانند و می گویند که هزاران نفر به اثر جنگ قدرت بین ربانی، فهیم، دوستم، سیاف، خلیلی و غیره کشته شده و تنها به اثر فیر راکت های گلبدین حکمتیار و شرکای جرمش دهها هزار نفر جانهای خود را از دست داده اند اما سند در بین نیست و فیصله شورای ملی هم به آنها معافیت و مصونیت داده است. اما آیا برای قتلی که توسط حکمتیار در صحن پوهنتون کابل با دستان خود حکمتیار صورت گرفت هم سند و شاهد و گواهی در دست نیست؟ فکر می شود هرگاه تجسس شود برای ثابت شدن این قتل مشهود که در روز روشن در حضور صدها محصل پسر و دختر فاکولته ها صورت گرفت اسناد و شواهد زیاد به دست بیاید.

در این باره اولاً آنچه در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" از طرف سازمان انقلابی افغانستان تحریر گردیده می خوانیم که چنین است:

« در تاریخ ۲۹ جوزای سال ۱۳۵۱ مردی از تبار زحمتکشان انقلابی، نترس و شاعر مبارز در صحن پوهنتون کابل به خون تپید و چشمانش را تا بیکران قله های آزادی برای ابد بست. در همین روز بود که

گلبدین جلاد سگ زنجیری امپریالیزم با تفنگچه اش سینه ستر سیدال سخندان را نشانه گرفت و قلب مالامال از امید او به رهائی زحمتکشان را از تپیدن باز داشت».

این بود آنچه از طرف سازمان انقلابی افغانستان تحریر گردیده اما شاهدان عینی در موضوع توضیح بیشتر داده اند و گفته اند: در آن تاریخ در پوهنتون کابل اجتماعات و میتنگ ها بین احزاب صورت گرفته بود که در آخر به زد و خورد منجر گردید. گلبدین حکمتیار با یک و یا دو نفر دیگر سیدال را در یک جویچه کنار سرک انداخته بودند و گلبدین فرق سر او را با تفنگچه اش می کوفت تا این که استخوانهای سرش متلاشی گردید. و شاید این کوفتن بعد از شلیک گلوله در سینه اش بوده باشد. و این جویچه در محل دید شاگردان پوهنخی طب قرار داشت که یک صنف مکمل مرکب از دختر و پسر از بالائی اتاق درسی شان به آن نگاه می کردند و نیز گفته می شد که بعد از وقوع این واقعه گلبدین مدتی تحت نظارت و توقیف پولیس قرار دشت و دوسیه ای ترتیب گردیده بود که بعد از مدت کوتاهی به امر موسی شفیق صدر اعظم بدون رؤیت به محکمه از نظارت رها و فرار پاکستان گردید.

اکنون توجه وطنداران محترم خود را که در کدرهای قضائی، خارنوالی و مقامات عالی پولیس قرار دارند جلب می کنم و به عرض می رسانم که در باره چنین قتل مشهود که در روز روشن در مقابل نظر صدها نفر صورت گرفته آیا باز هم سند و یامدرک جرمی به دست آمده نخواهد توانست؟

هرگاه مدافعان محترم حقوق بشر و مقامات عالی پولیس و خارنوالی به حکم وظیفه و وجدان در ثبوت این قتل فجیع که توسط شخص حکمتیار صورت گرفته اقدام فرمایند همه دلائل و شواهدی که این جرم را ثابت کند به دست خواهد آمد محصلان فاکولته طب آن زمان که اکنون داکتر های موفقی هستند و قضیه را به چشم سر دیده اند به محکمه شهادت خواهند داد. هرگاه پولیس دوسیه ای را که در آن زمان ترتیب شده بود و در ادارات پولیس موجود است به دست بیاورند دلائل و شواهد زیاد در آن خواهند یافت. پس چه خوب خواهد شد که ورثه سیدال مقتول را توسط اعلان رادیویی و یا غیره وسائل و با دلائل و شواهدی که جمع آوری کرده اند یکجا به محکمه حاضر نمایند، تا حکمی مطابق شرع و قانون صادر گردد و مجرم به جزای خود برسد و سبب عبرت دیگران گردد و آنگاه این دروازه باز گردیده و دیگر مظلومین جرأت می یابند و برای هرگونه قتل و ظلمی که به انواع گوناگون به دست قدرتمند آن و ظالمان صورت گرفته دعاوی خود را به محاکم مربوطه تقدیم می دارند. مثلاً چندی قبل در یکی از تلویزیون های آزاد برون مرزی گفته شد که داماد آقای ربانی به علاوه دختر ربانی زن دیگری را نیز عقد کرده بود و به اصطلاح بالای دختر ربانی انباق آورده بود. این جوان بیگناه به اشاره خانم ربانی توسط یکی از پسران ربانی به قتل رسیده هرگاه این واقعه حقیقت داشته باشد آنگاه ورثه این جوان مقتول نیز جرأت می یابند و به محکمه دعاوی حق العبدی خود را تقدیم می دارند و شاید بسیاری چنین واقعات توسط زورآوران صورت گرفته و مظلومین به اقامه دعوا دسترس ندارند و کسی به آنها کمک نمی کند تا ظالمان که به مقامات بلند این اداره پوشالی قرار دارند، مخفی و پنهان بمانند.

در خاتمه عرض من به برادران مسلمان اعضای حزب اسلامی گلبدین حکمتیار این است که ای برادران آیا شما از چنین سابقه بدنام آقای حکمتیار خبر داشتید و یانه؟ اگر خبر داشتید چگونه به چنین شخص جانی اقتداء کرده اید و اگر نداشتید اکنون که خبر شدید این شخص را حمایت و تعقیب نکنید تا خاسرالدنیا والاخره نشوید. آمین یا رب العالمین

یادداشت:

(۱) در برخی از چاپها این دوبیت به شکل زیرین نیز آمده است:

گر از جنگال گرگم در ربودی

بسدیدم عاقبت گرگم تو بودی

ویراستاران پورتال AA-AA